

ارمغان دموکراتهای آمریکایی برای اپوزیسیون شاه!

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۱۷:۱۲

انتخابات آمریکا برای محمدرضا پهلوی همیشه از اهمیت به سزایی برخوردار بود؛ زیرا خطی مشی سیاسی وی چه در داخل و چه خارج از کشور با جمهوری خواهان هماهنگی بیشتری داشت. البته این بدان معنا نبود که دموکراتها با سلطنت و یا قدرت گیری محمدرضا پهلوی مخالف بودند؛ بلکه مسئله مهم این بود که جمهوری خواهان نقش مهمتری برای وی در منطقه تعریف می کردند.

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



انتخابات آمریکا برای محمدرضا پهلوی همیشه از اهمیت به سزایی برخوردار بود؛ زیرا خطی مشی سیاسی وی چه در داخل و چه خارج از کشور با جمهوری خواهان هماهنگی بیشتری داشت. البته این بدان معنا نبود که دموکراتها با سلطنت و یا قدرت گیری محمدرضا پهلوی مخالف بودند؛ بلکه مسئله مهم این بود که جمهوری خواهان نقش مهمتری برای وی در منطقه تعریف می کردند. آنان محمدرضا پهلوی را در مقام ژاندارمی منطقه گمارده بودند. بگذریم از آنکه این مسئولیت جز هزینه برای ایران چیزی

دربار نداشت و ایران با فروش نفت خود و استفاده از پول مالیات دهندگان ایرانی، در راستای منافع ایالات متحده در منطقه ایفای نقش می کرد. بعلاوه کودتای ۲۸ مرداد که باعث بازگشت شاه به قدرت شد، در زمان یک رئیس جمهور جمهوری خواه اتفاق افتاد. همین نکات باعث شده بود تا خوشایند شاه به قدرت رسیدن جمهوری خواهان باشد؛ به طوری که حتی برای تحقق این هدف در انتخابات آمریکا به نفع جمهوری خواهان هزینه نیز نماید. امری که دموکراتها از آن خبر داشتند و بسیار برایشان مذموم شمرده می شد.

در اواخر حکومت محمدرضا شاه با توجه به شکست آمریکا در ویتنام، رسوایی واترگیت و مسائلی از این دست شکست جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری تقریباً قطعی شده بود. بنابراین روی کار آمدن دموکراتها و نامزد مطرح آنها کارتر نزدیک بود و شاه می بایست خود را برای قدرت رسیدن آنها آماده می کرد.

جالب آنکه حتی روی کار آمدن دموکراتها که به ظاهر طرفداران حقوق بشر، آزادی های سیاسی و مقابله با حکومت های استبدادی بودند نیز به نفع مخالفان حکومت پهلوی نشد و حتی هزینه های بیشتری را برای آنان ایجاد کرد. نگاهی به خاطرات جواد منصوری در زندان سیاسی حکومت پهلوی طی سال های آخر حیات آن به خوبی بیانگر این مسئله است:

«رژیم شاه با توجه به نزدیک شدن انتخابات و پیش بینی پیروزی دموکرات ها دست به یک سلسله اقدامات زد؛ از جمله: تشدید فشارها و تضيیقات در داخل زندان، و سرکوب و کشتار تعداد زیادی از گروه ها در خارج از زندان، اعدام بعضی مبارزان بدون محاکمه و شکنجه اعضای گروه های مبارز. از این پس ماموران سعی می کردند در درگیری با افراد مبارز، آنان را قتل عام کنند. به عبارتی دیگر رژیم چندان تمایلی برای دستگیری مبارزان نداشت. این سیاست برای مرعوب کردن زندانیان و گروه های مبارز خارج از زندان بود تا هر چه زودتر دست از مبارزه بردارند و تسلیم شوند.»^[۱]

جالب آنکه تمام برداشت های رژیم وارونه شد. از یک طرف تشدید فشار بر روی زندانیان و مخالفان سیاسی نتیجه عکس داد و سرانجام مخالفت ها آنچنان شدید شد که خود را در قامت انقلاب اسلامی بروز داد و از سوی دیگر کارتر که یک دموکرات- و نه یک جمهوری خواه- بود، تمام تلاش خود را برای دوام استبداد شاه به کار بست و حتی در مورد حقوق بشر و آزادی های سیاسی ایران را مستثنی نمود. اما حتی تلاش آمریکا نیز نتوانست دوام محمدرضا شاه را تضمین کند.

پی نوشت ها:

[۱] جواد منصوری، سال های بی قرار، تحقیق و تدوین: محسن کاظمی، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۱، صص ۲۸۶-

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/22986/شاه-اپوزيسيون-آمريکايي-دموکراتهايد-ارمغان/>